

بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر

ایرج صفایی‌راد*

مسعود غلامعلی لواسانی**، غلامعلی افروز***

چکیده

هدف پژوهش حاضر به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر می‌پردازد. روش این پژوهش توصیفی از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر تیزهوش شاغل در مدارس سمپاد استان همدان و مادران آنها بود، که تعداد کل آنها ۴۱۸۹ نفر است. حجم نمونه با عنایت به اینکه از مدل یابی ساختاری استفاده شده است، ۴۳۵ نفر در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل: پرسشنامه شخصیتی نئو (مک‌کری و کوستا، ۱۹۸۵)، مقیاس نگرش خلاقیت عابدی (۱۳۸۳) و فرم کوتاه مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش آماری معادلات ساختاری توسط نرم افزار پی ال اس (Smart PLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر رابطه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان، میزان خلاقیت.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، iraj_rad45@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی (نویسنده مسئول)، lavasani@ut.ac.ir

*** استاد دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، afrooz@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

۱. مقدمه

خلاقیت ترکیبی است از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می‌سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود (اشتنبیرگ، ۱۹۹۳؛ Sternberg, Lubart, 1993). در تعاریف متعددی که برای خلاقیت وجود دارد به یک ماهیت منفرد دست می‌یابیم که، وجه مشترک اغلب آنها خلق و نوآوری است (آبراهام، ویندمن، دئوم و گاندرکوم، ۲۰۰۵؛ Abraham, Windman, Daum, Gunturkun, 2005).

خلاقیت به عنوان کلید شکوفایی فردی و اجتماعی شناخته می‌شود. خلاقیت فعالیتی ذهنی است، که در شرایط عدم وجود پاسخی صحیح از قبل، صورت می‌گیرد (آرنت، ۲۰۱۱؛ Arnett, 2011). خلاقیت اغلب به عنوان تولید ایده‌های جدید و مفید تعریف شده است، در حالی که نوآوری اجرای موفقیت آمیز آن ایده‌ها محسوب می‌شود. خلاقیت باید با تفکر انتقادی، به شکل نیروی پیش برنده در جهت مولدتر بودن و پاسخگوتر بودن فرد وجود داشته باشد (Walter, 2012). فرهنگ توصیفی انجمن روانشناسی آمریکا (American Psychological Association, 2013). خلاقیت یا آفرینندگی را اینگونه تعریف کرده است: توانایی تولید یا تدوین آثار، نظریه‌ها، فنون، یا افکار اصیل. فرد خلاق معمولاً اصالت، قوه تخیل و قدرت بیان از خود بروز می‌دهد.

عوامل متعددی در رشد خلاقیت موثر است از جمله، والدین و خانواده که مهم‌ترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیت‌ها را دارد (افروز، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد عامل زیربنایی تعیین‌کننده خلاقیت در محیط خانودگی، شخصیت والدین به طور مستقیم و یا با واسطه سایر عوامل است. ویژگی‌های شخصیتی والدین به عنوان یکی از عوامل موثر می‌باشد که هم بر رضایتمندی زناشویی والدین و هم بر چگونگی رشد، تحول، سلامت و سازگاری و خلاقیت فرزندان تاثیر گذار است. شخصیت را می‌توان نمایه خاص الگوهای پاسخ رفتاری آشکار در زندگی عادی تعریف کرد، کلیتی که معمولاً ثابت و قابل انتظار است (Kaplan & Sadok, 2000).

حوزه شخصیت خلاقیت مورد توجه خاص بسیاری از پژوهشگران بوده است. پژوهش David (۲۰۱۳) نشان داد که از میان مولفه‌های شخصیت، انعطاف پذیری و توافق پیش بینی‌کننده‌های خلاقیت محسوب می‌شوند. Furnham (۲۰۰۹) نشان دادند که گشودگی و برونگرایی با تفکر واگرا (به عنوان بخشی از خلاقیت) همبستگی مثبت دارد. همچنین آنها

رابطه بین تفکر واگرا با برونگرایی بالا، تخیل یا گشودگی بالا و وظیفه شناسی پایین را مشخص کردند. Silvia، (۲۰۰۹) نشان دادند که گشودگی با تمامی جنبه‌های خلاقیت همبستگی متوسط تا زیاد دارد. Kelly (۲۰۰۶) در مطالعه ارتباط خلاقیت با الگوی پنج عاملی نشان داد که خلاقیت با برونگرایی دارای همبستگی مثبت است. از نظر Dollinger (۲۰۰۴) گشودگی به نسبت سایر رگه‌های شخصیت ارتباط بسیار قوی تری با خلاقیت داشته است. Glade (۲۰۰۲) نشان داد که خلاقیت با گشودگی همبستگی مثبت بالا اما با نوروگرایی همبستگی منفی دارد. Zhang (۲۰۰۱) مطرح می‌کند که سبک‌های تفکر خلاق، مولد و پیچیده با برونگرایی و گشودگی ارتباط دارد. McCrae (۱۹۸۷) به رابطه مثبت بین خلاقیت با گشودگی به تجربه و برونگرایی اشاره می‌کند. یافته‌ها بیانگر رابطه منفی بین گرایش به روان گسستگی و خلاقیت می‌باشد (خلیلی، ۱۳۸۳). شریفی (۱۳۸۳) در پژوهشی نشان داد، بین ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی، وجدان، انعطاف پذیری و خلاقیت رابطه مثبتی وجود دارد ولی بین ویژگی شخصیتی توافق پذیری و گرایش به روان نژندی با خلاقیت رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج پژوهش طهماسبیان و همکاران (۱۳۸۹) و زارع و همکاران (۱۳۸۹) پژوهش شریفی را تایید می‌کنند.

جوکار و البرزی (۱۳۸۹) نیز دریافته‌اند، برونگرایی پیش بینی کننده مثبت و معنادار خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی است و روان نژندی پیش بینی کننده منفی خلاقیت شناختی بودند. از طرفی شخصیت والدین به شکل مستقیم بر سبک‌های فرزند پروری آنها تاثیر می‌گذارد و مشخص شده که سبک‌های فرزند پروری عاملی مهم در نحوه بروز و تجلی خلاقیت فرزندان خانواده هستند (Huver, Otten, Vries, & Rutger, 2001) همچنین تحقیقات متعدد نشان داده اند که بین ویژگی‌های شخصیتی مادران و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد (Desforjes, & Abouchaar, 2003).

سلامت روان، مجموعه ای از ویژگیهایی است که در برابر حوادث فشار زای زندگی به عنوان سپری محافظ عمل می‌کند و کمک می‌کند که افراد در این موقعیتها کارکرد بهتری داشته باشند، همچنین حالتی از توانمندی و بهزیستی است که به فرد توانایی لازم برای مقابله با تنش‌های روزمره زندگی را می‌دهد. بنا به تعریف «سازمان بهداشت جهانی» سلامتی عبارت است از «حالت سلامتی کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی نه فقط فقدان بیماری یا ناتوانی» (رضاعی، ۱۳۹۴). پژوهشگران حوزه سلامت روانی، با الهام از روانشناسی مثبت نگر، سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روانشناختی، تلقی و آن را در قالب اصطلاح

۱۰۴ بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر

"بهزیستی روانشناختی" مفهوم سازی کرده اند. این گروه نداشتن بیماری را برای احساس سلامت کافی نمی‌دانند، بلکه معتقدند که داشتن احساس رضایت از زندگی، پیشرفت بسنده، تعامل کارآمد و موثر با جهان، انرژی و خلق مثبت پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت، از مشخصه‌های فرد سالم است (Karademas, 2007).

پاره ای از پژوهش‌ها، خلاقیت را به بیماری روانی، به ویژه اختلال‌های خلقی نسبت می‌دهند در حالی که بسیاری از پژوهش‌ها وجود رابطه‌ی مثبت بین خلاقیت و سلامت روانی را نشان می‌دهند که خط اصلی این تحقیقات از رویکردهای انسان‌گرایانه و مفهوم خلاقیت روزمره نشأت گرفته است (Abraham, 2005).

با توجه به مبانی نظری، این پژوهش در صدد آن است تا یافته‌های پراکنده در زمینه خلاقیت، ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی را یکپارچه و به پیش جدیدی دست یابد.

۲. سوالات تحقیق

آیا بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر رابطه وجود دارد؟

۳. اهداف پژوهش

تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر.

۴. پیشینه چارچوب نظری

Silvia and Kimbrel (۲۰۱۰)، در پژوهش خود نشان دادند که اندازه اضطراب، افسردگی و اضطراب اجتماعی اندکی از پراکندگی در خلاقیت را پیش بینی می‌کنند. Davis (۲۰۰۸) نتایج فراتحلیل از ۶۰ مطالعه آزمایشی و ۱۰ مطالعه غیر آزمایشی که به ارزیابی تاثیر خلق مثبت بر خلاقیت پرداخته است را بررسی کرد و نشان داد که خلق مثبت، خلاقیت را بالا می‌برد.

Baas (۲۰۰۸) در فراتحلیلی از ۱۰۲ پژوهش، به بررسی رابطه بین حالات خلقی و خلاقیت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که خلق مثبت باعث خلاقیت بیشتری نسبت به

خلق خنثی می‌شود. Koh (۲۰۰۶) نشان داد که خلاقیت نه تنها در نقطه مقابل سلامت روان نبوده، بلکه یکی از ویژگیهای مهم افراد دارای سلامت روان است.

Chavez- Eakle (۲۰۰۶)، در بررسی رابطه‌ی خلاقیت، خلق و خو، خصوصیات شخصیتی و آسیب‌شناسی روانی دریافتند که افراد خلاق، نمرات پایینی در آسیب‌شناسی روانی نشان می‌دهند.

Kaar (۲۰۰۵)، ترجمه پاشا شریفی و همکاران، (۱۳۹۳)، اظهار میدارد بهزیستی ذهنی و شادکامی می‌باعث می‌شود که فرد به شیوه اجتماعی، خردمندانه یا هنرمندانه بازی و خلق کند. هیجانهای مثبت مثل لذت یا خوشنودی، بیانگر این هستند که اتفاق خوبی رخ خواهد داد. این هیجانها توجه ما را وسعت می‌بخشند، از محیط فیزیکی و اجتماعی گسترده تری آگاه می‌سازند، و این گستردگی ما را برای پذیرش اندیشه‌ها و اقدامات تازه آماده می‌کنند و بیش از از مواقع عادی خلاق‌تر می‌شویم. هیجانهای مثبت بارآوری و تفکر خلاق و توام با شکیبایی را آسان می‌کنند. خود هیجانهای مثبت نیز ممکن است از همین بینش‌ها و اعمال نو و پایدار نشأت گیرند. مطالعات آزمایشگاهی با القای خلق مثبت نشان می‌دهند، این حالت‌های خلقی ایجاد شده، به خلاقیت، تفکر و رفتار انعطاف‌پذیر بیشتری منجر می‌شوند.

Bostic (۲۰۰۳) در پژوهش خود مشخص کرد که تفکر خلاق می‌تواند در پیش‌بینی سلامت جسم، سازگاری روان‌شناختی و سطح سرزندگی موثر باشد و این متغیرها با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. Gasper (۲۰۰۳) اظهار میدارد، محققان بر این عقیده‌اند که در مقایسه با افراد دارای خلق منفی و خنثی، آنهایی که دارای خلق شاد هستند، انعطاف‌تر به نظر می‌رسند. زیرا پاسخهای صحیح‌تری را به مقیاسهای تفکر واگرا می‌دهند، اطلاعات را بطور گسترده تری طبقه‌بندی می‌کنند و تداعیهای خلاق‌تری را بیان می‌کنند. رایت و Wright and Walton (۲۰۰۳) طی پژوهشی به بررسی رابطه عاطفه، بهزیستی روان‌شناختی و خلاقیت پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود همبستگی مثبت بین بهزیستی روان‌شناختی با خلاقیت و حالت عاطفی مثبت با خلاقیت بود.

Zigler and Shamoo (۲۰۰۲) نشان دادند که در سطح مدارس دانش‌آموزی که از نظر سلامت روح و جسم تامین باشد به راحتی می‌تواند استعداد‌های خلاق خود را بروز دهد.

Fielder and Bless (۲۰۰۱) معتقدند که افراد دارای خلق منفی، زیاد بر روی جزئیات یک تکلیف تمرکز می‌کنند و در نتیجه در پیدا کردن راههای جدیدی که برای تفکر انعطاف‌پذیر لازم هستند، شکست می‌خورند. در مقابل، خلق‌های شاد، سبک تفکر آزادتر و مولدتری

را ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند افراد برای آزمایش کردن راه‌های جدید، ترکیب داده‌ها به شیوه‌های جدید و تولید پاسخ‌ها، احساس آزادی کنند. به اعتقاد کروپلی (۱۹۹۰) یک جنبه از خلاقیت در واقع یک ویژگی عمومی است که به نسبت‌های متفاوت در افراد وجود دارد و خلاقیت روزمره (همگانی) نامیده می‌شود. از این منظر می‌توان خلاقیت را به صورت پدیده‌ای روزمره و عام که همه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند در نظر گرفت و حتی می‌توان آن را تضمین‌کننده سلامت روانی افراد دانست. بنابراین افراد می‌توانند با پرورش خلاقیت و کسب مهارت‌های خاص در حیطه‌های متفاوت و ایجاد انگیزه کافی در زندگی روزمره، دست به ابتکار عمل بزنند و نیروها و استعداد‌های درونی خود را آشکار سازند و از آنها برای حل مشکلات و پیشبرد امور زندگی استفاده نمایند، شاید همین جنبه خلاقیت است که بیشترین رابطه و همبستگی را با سلامت روانی پیدا می‌کند، نه سطوح بالای خلاقیت که در افراد برجسته و نوابغ مشاهده می‌شود.

محمد رضا خانی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان بررسی رابطه خلاقیت و خودکارآمدی با سلامت روان مدیران مدارس، به این نتیجه رسید که بین متغیر سلامت روان با خلاقیت رابطه منفی و معناداری وجود دارد (کاهش خلاقیت باعث افزایش مشکلات ابعاد سلامت روان مدیران مدارس می‌گردد). عبارتی خلاقیت به عنوان ویژگی فردی می‌تواند نقش موثری در سلامت روان افراد داشته باشد.

متی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان رابطه مولفه‌های خلاقیت با سلامت روان در دانش‌آموزان دبیرستان‌های ایلام، به این نتیجه رسیدند که تحلیل رگرسیون چند متغیری گویای این مطلب است که خلاقیت و مولفه‌های آن می‌توانند ۳۵ درصد واریانس سلامت روانی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. بعلاوه انعطاف‌پذیری و سیالی به ترتیب بهترین پیش‌بین برای واریانس سلامت روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی می‌باشد.

دهقانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان رابطه مولفه‌های خلاقیت با سلامت روان در دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان ایلام، اظهار میدارند که نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که به طور کلی خلاقیت و مولفه‌های آن می‌توانند ۳۵ درصد واریانس سلامت روانی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. بعلاوه انعطاف‌پذیری و سیالی به ترتیب بهترین پیش‌بین برای واریانس سلامت روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی می‌باشد.

احدی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان خلاقیت و سلامت روان، دریافتند که بین خلاقیت و سلامت روان، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. آنها نتیجه گرفتند که

خلاقیت افراد را قادر خواهد ساخت تا با پرورش آن در خود در برابر تنیدگی و سایر جنبه‌های منفی که سلامت روانی را به خطر می‌اندازد مصون باشند. همچنین می‌توان گفت امکان پرورش جنبه‌های تفکر خلاق در افراد دارای سلامت روانی بیشتر است.

پیرخانفی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان ارتباط مولفه‌های فراشناختی خلاقیت با سلامت روان در دانشجویان، نشان داد که در حوزه سلامت روان، خلاقیت متغیری تاثیرگذار است. او نشان داد که در همبستگی درونی مولفه‌های خلاقیت و سلامت روان، بین مولفه‌های خلاقیت و نشانه‌های آسیب روانی رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش یافتن توانایی‌های عمومی خلاقیت در نمونه پژوهش، از شدت آسیب روانی آنها کاسته شده است. در واقع بین خلاقیت عمومی بالا در دانشجویان و آسیب روانی کمتر، رابطه معناداری مشاهده گردید.

کلانتر قریشی، عین الله زادگان، رضایی کارگر (۱۳۹۱)، نشان دادند که بین خلاقیت و سلامت عمومی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و خلاقیت سلامت عمومی را پیش بینی میکند. خلاقیت با افسردگی رابطه معنادار و معکوس داشته و به طور معنادار توان پیش بینی این مؤلفه را دارد.

فخری، میرازیان، و بنی هاشمیان (۱۳۹۱) در پژوهش خود به رابطه مثبت بین خلاقیت و سلامت عمومی دست یافتند. زیرا که خلاقیت می‌تواند در به دست آوردن راه‌های ابتکاری مواجهه با بیماریها و موقعیتهای استرس‌زای حرفه‌ای در بسیاری از موارد رهگشا باشد.

پیوسته گر، دستجردی و دهشیری (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به رابطه مثبت بین خلاقیت و بهزیستی ذهنی دست یافتند. تحلیل رگرسیون گام به گام از میان مولفه‌های خلاقیت، سیالی به همراه انعطاف‌پذیری در مجموع ۲۵٪ واریانس بهزیستی ذهنی را به خود اختصاص دادند.

پیرخانفی، برجعلی، دلاور، اسکندری (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بررسی روابط ساختاری خلاقیت، خودکارآمدی و روش کنار آمدن با سلامت روان، بیان می‌کنند که از مجموع تحلیل‌های روابط ساختاری می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای خلاقیت، خودکارآمدی و روش کنار آمدن، از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی قابل‌قبولی برای سلامت روان برخوردار هستند. همچنین اظهار می‌دارند که با تقویت خلاقیت، خودکارآمدی و روش کنار آمدن شاهد کاهش معنادار نشانه‌های آسیب روانی و افزایش سلامت روان در

۱۰۸ بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر

افراد خواهیم بود. رضایی کارگر، آجیل چی و اینانلو (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود نشان دادند که آموزش مهارت تفکر خلاق می‌تواند سلامت عمومی و بهزیستی روانشناختی را در افراد افزایش دهد. خسروانی و گیلانی (۱۳۸۶)، دذر پژوهش خود معنادار بودن رابطه خلاقیت با سلامت روان را مورد تایید قرار دادند. به این معنا افرادی که از سطح خلاقیت بالاتری برخوردار بودند، اضطراب، افسردگی و استرس کمتری ادراک کرده و در ضمن ارزش بیشتری برای خود قائل اند. حسینی (۱۳۸۱) نیز در پژوهش خود به رابطه معنادار بودن رابطه خلاقیت بالاتری برخوردار بودند، اضطراب، افسردگی و استرس کمتری ادراک کرده و در ضمن ارزش بیشتری برای خود قائل بودند.

۵. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است.

۱.۵ نمونه‌گیری تحقیق و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر تیزهوش و مادرانشان در مدارس سمپاد استان همدان و مادران آنها می‌باشد، که تعداد کل آنها ۴۱۸۹ نفر است. حجم نمونه با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی و با عنایت به اینکه از مدل یابی ساختاری استفاده شده است، ۴۳۵ دانش آموز و مادرانشان در نظر گرفته شد.

۲.۵ ابزار پژوهش

۱.۲.۵ فرم کوتاه پرسش‌نامه شخصیتی نئو (NEO-FFI-60)

با توجه به پیچیدگی و طولانی بودن NEO-PI-R، وجود ابعاد جزئی و متعدد مربوط به هر یک از صفات مربوط به پنج عامل بزرگی شخصیت و ضرورت سرند سریع در مواقع لازم و مهم‌تر از همه عدم تمایل آزمودنی‌ها به ابزار طولانی در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی، نسخه کوتاه از NEO-PI-R با عنوان «پرسش‌نامه پنج عاملی» NEO-FFI طراحی شد. این پرسش‌نامه شامل ۶۰ سؤال دارد که براساس تحلیل عاملی نمرات NEO-PI که در سال ۱۹۸۱ اجرا شده بود، به دست آمده است (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۲).

۲.۲.۵ اعتبار و روایی

در خصوص اعتبار، نتایج چندین مطالعه حاکی از آنست که زیر مقیاس‌های NEO-FFI همسانی درونی خوبی دارد. به عنوان مثال: کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان آزرده گرای) را گزارش کردند. هلدن (۱۹۹۹) نیز ضریب آلفای این ۵ عامل را در دامنه ۰/۷۶ (برای گشودگی) تا ۰/۸۷ (برای روان آزرده گرای) گزارش می‌کند. نتایج مطالعه مورادیان و نزلک (۱۹۹۵) نیز حاکی از آنست که آلفای کرونباخ روان آزرده گرای، برون گرای، گشودگی، موافق بودند و با وجدان بودن به ترتیب عبارت است از: ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳.

پرسش‌نامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاری یابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، و ۰/۷۹، برای عوامل C, A, O, E, N به دست آمده است.

همچنین در تحقیق ملازاده (۱۳۸۱) ضرایب اعتبار آزمون - آزمون مجدد در فاصله ۳۷ روز در مورد ۷۶ نفر از فرزندان شاهد به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۵ برای روان آزرده گرای، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن گزارش شده است. آلفای کرونباخ نیز برای روان آزرده گرای ۰/۸۶، برون‌گرایی ۰/۸۳، گشودگی ۰/۷۴، موافق بودن ۰/۷۶، با وجدان بودن ۰/۸۷ و آلفای کل برابر با ۰/۸۳ به دست آمده است.

در زمینه روایی همزمانی این پرسشنامه و پرسشنامه نشانگر ریخت مایرز بریکز، پرسشنامه چند جنبه شخصیتی مینه سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرمین، فهرست رگه‌ها و مقیاس رگه بین فردی رابطه بالایی گزارش شده است (ملازاده ۱۳۸۱).

گزارش‌هایی نیز در ارتباط با روایی عوامل NEO-FFI ارائه شده است. مک کرا و کاستا (۱۹۸۹) اظهار می‌دارند که ابزار کوتاه شده NEO با فرم کامل آن (NEO-PI) مطابقت دقیق دارد به گونه‌ای که مقیاس‌های فرم کوتاه، همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ را با مقیاس‌های فرم کامل دارا می‌باشند. مک کرا و کاستا در مطالعه دیگری (۱۹۹۲) گزارش می‌کنند که اعتبار ۵ عامل NEO-FFI بر اساس همبستگی با ارزیابی‌های همسر و همسالان به ترتیب در دامنه‌ای از ۰/۴۴ برای با وجدان بودن تا ۰/۶۵ برای گشودگی قرار دارد. در ضمن در این مطالعه گزارش شده است که این پرسشنامه، ۰/۸۵ واریانس را در اعتبار هم‌گرا، که از ارزیابی‌های

صفات مشابه با استفاده از تأیید صفت و ارزیابی‌های همسر و همسالان به دست آمده است تبیین می‌کنند.

نمره گذاری: این مقیاس دارای ۶۰ سوال است. در هر سؤال آزمودنی نمره ۰ تا ۴ را احراز می‌کند. شیوه‌ی نمره گذاری سؤالات به صورت لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۰)، مخالفم (۱)، نظری ندارم (۲)، موافقم (۳)، و کاملاً موافقم (۴) است. هر یک از سوال‌ها نشان دهنده یکی از ۵ عامل بزرگ شخصیت مک کرا و کاستا به ترتیب، عامل N روان آزردگی، E برون‌گرایی، O گشودگی، A موافق بودن، C با وجدان بودن است. برخی پرسش‌ها به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. در این پرسشنامه سؤالات ۵۹-۵۷-۵۵-۵۴-۴۸-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۳۹-۳۸-۳۳-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۴-۲۳-۱۸-۱۶-۱۵-۱۴-۱۲-۹-۸-۳ دارای بار عاملی منفی بوده و به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. هر کدام از عوامل پنج گانه شخصیت، در این پرسشنامه ۱۲ سوال را به خود اختصاص داده که به قرار زیر است، در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره‌ای از ۰ تا ۴۸ کسب می‌کند (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۲):

عامل روان آزردگی سوال‌های: ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱، ۵۶

عامل برون‌گرایی سوال‌های: ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۵۷

عامل گشودگی به تجربه سوال‌های: ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳، ۵۸

عامل توافق‌پذیری سوال‌های: ۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴، ۵۹

عامل با وجدان بودن سوال‌های: ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۰

در این پژوهش مقادیر آلفای کرونباخ برای ابعاد ویژگی‌های شخصیتی بدین شرح می‌باشد: روان آزردگی (۰/۸۰)، برون‌گرایی (۰/۸۹)، گشودگی (۰/۸۳)، موافق بودن (۰/۹۱)، با وجدان بودن (۰/۷۶). و میزان پایایی مرکب ابعاد این ویژگی‌ها عبارتست از: روان آزردگی (۰/۸۹)، برون‌گرایی (۰/۹۱)، گشودگی (۰/۷۱)، موافق بودن (۰/۸۵)، با وجدان بودن (۰/۹۷)؛ ضمناً مقادیر روایی همگرا ابعاد ویژگی‌های شخصیتی بدین شرح بدست آمد: روان آزردگی (۰/۴۸)، برون‌گرایی (۰/۵۲)، گشودگی (۰/۴۰)، موافق بودن (۰/۴۴)، با وجدان بودن (۰/۴۴).

نتایج جدول نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های روان آزردگی و برون‌گرایی -۰/۸۵، روان آزردگی و گشودگی -۰/۴۸، روان آزردگی و موافق بودن -۰/۷۶، روان آزردگی و با وجدان بودن -۰/۶۶، برون‌گرایی و گشودگی ۰/۵۰۳، برون‌گرایی و موافق بودن ۰/۸۳،

برونگرایی و با وجدان بودن ۰/۸۱، گشودگی و موافق بودن ۰/۴۸، گشودگی و با وجدان بودن ۰/۴۴، موافق بودن و با وجدان بودن ۰/۷۱ در سطح معنا داری ($P < ۰/۰۱$) (***) رابطه معنا دار وجود دارد.

۳.۲.۵ مقیاس نگرش خلاقیت عابدی

این آزمون در سال ۱۳۶۳، بر اساس تئوری خلاقیت تورنس، توسط عابدی ساخته شد و بر روی یک گروه ۶۵۰ نفری از دانش آموزان دوره راهنمایی اجرا گردید. در سال ۱۹۸۶ دوباره در آمریکا توسط عابدی و شوماخر از نو طراحی گردید و از آن زمان تاکنون بارها مورد تجدید نظر قرار گرفته است. فرم کنونی آن نیز در سال ۱۹۹۲، در دانشگاه کالیفرنیا توسط اونیل، عابدی و اسپیل برگر ساخته شده است. این آزمون ۶۰ سوال سه گزینه‌ای دارد، که نمرات سه گزینه (۰)، (۱) و (۲) می‌تواند باشد. دامنه نمرات کل خلاقیت هر آزمونی بین ۱۲۰ تا ۰ است، و از چهار خرده آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری تشکیل شده است:

گزینه الف در هر ماده عدم توانایی در انجام دادن فعالیت را مطرح کرده است، که به پاسخ های آن نمره ۰ داده می‌شود.

گزینه ب در هر ماده توانایی در انجام دادن فعالیت را مطرح کرده است، که به پاسخ های آن نمره ۱ داده می‌شود.

گزینه ج در هر ماده توانایی کامل در انجام دادن فعالیت را مطرح کرده است، که خلاقیت را آشکار می‌سازد. به پاسخ های آن نمره ۲ اختصاص داده می‌شود.

این نمره ها در چهار گروه جمع می‌شوند و بدین ترتیب چهار نمره برای هر بخش به دست می‌آید. و با جمع چهار نمره می‌توان یک نمره کل برای خلاقیت آزمودنی به دست آورد.

ضریب اعتبار این آزمون از طریق آزمون مجدد توسط عابدی در سال ۱۳۶۳ برای هریک از خرده آزمون ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ محاسبه گردید (حسن پور و شهریاری احمدی، ۱۳۸۷). سوالات ۱ تا ۲۲ این پرسشنامه بخش سیالی را که توانایی ارائه اندیشه‌های بی‌شمار است را می‌سنجد. سوالات ۲۳ تا ۳۳ پرسشنامه بخش بسط را که توانایی پرداختن به جزئیات به طور کامل است را می‌سنجد. سوالات ۳۴ تا ۴۹ پرسشنامه، بخش ابتکار را که توانایی ارائه اندیشه‌هایی که منحصر به فرد هستند را می‌سنجد. سوالات

۱۱۲ بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر

۵۰ تا ۶۰ پرسشنامه، بخش انعطاف‌پذیری را که توانایی اندیشه‌های متنوع یا استفاده کردن از روش‌های متنوع است، می‌سنجد.

بر اساس گزارش عابدی، و ازموندی (۱۹۹۶) برآورد همسانی درونی با استفاده از آلفای کرانباخ، برای اجرای این آزمون بر روی ۲۲۶۲ دانش آموز اسپانیایی بدست آمد. ضریب همسانی درونی برای سیالی ۰/۷۵، انعطاف‌پذیری ۰/۶۱، ابتکار ۰/۶۷ و بسط ۰/۶۱ محاسبه گردید.

در سال ۱۳۷۳، کفایت اعتبار آزمون خلاقیت عابدی را، از روش دونیمه کردن، (اعتبار کل آزمون را ۰/۸۷ و سیالی ۰/۷۸، انعطاف‌پذیری ۰/۹۳، ابتکار ۰/۴۰ و بسط ۰/۶۷) و آلفای کرانباخ، (کل آزمون ۰/۸۵، بسط ۰/۶۱، ابتکار ۰/۴۹، انعطاف‌پذیری ۰/۶۲ و سیالی را ۰/۷۲) محاسبه و گزارش نمود.

به منظور بررسی روایی آزمون نیز عابدی با استفاده از آزمون تورنس، و از طریق روش روایی همزمان، ضریب ۰/۴۶ را گزارش نمود (حسن پور و شهریار احمدی، ۱۳۸۷). مقدار آلفای کرانباخ آزمون خلاقیت در این پژوهش ۰/۹۸ و روایی همگرا ۰/۴۷ به دست آمد.

در این پژوهش برای خلاقیت نمره کل در نظر گرفته خواهد شد.

۴.۲.۵ مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (Short form of Reef psychological well-being, 1989)

برای سنجش سلامت روان از فرم کوتاه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده خواهد شد. این مقیاس مشتمل بر ۱۸ ماده برای سنجش شش بُعد بهزیستی روان‌شناختی است، که بر اساس مقیاسی ۶ درجه ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» پاسخ داده می‌شود. مقدار آلفای کرانباخ زیر مقیاسهای این مقیاس بین ۰/۴۳ تا ۰/۶۰ می باشد (جوشن لو، رستمی و نصرت آبادی، ۱۳۸۵).

ریف و کیز (۱۹۹۵) بر پایه تعریف مفهومی ابعاد مختلف این مدل، مقیاسی را به منظور اندازه گیری و عملیاتی نمودن هر یک از این ابعاد به صورت فرم خود گزارش دهی طراحی نمودند. نسخه ی اولیه ی این مقیاس، دارای ۱۲۰ آیتم است. در بررسی های بعدی که در مورد ویژگی های روان سنجی این مقیاس انجام گرفت، فرم های کوتاهتر این مقیاس (۸۴، ۵۴، ۴۲ و ۱۸ سوالی) نیز تدوین شد. مرور شواهد مختلف پژوهشی نشان داد که با

وجود تدوین فرم های متفاوت مقیاس بهزیستی روان شناختی، فرم کوتاه ۱۸ سوالی بیشترین استفاده و کاربرد را در پژوهش های مختلف داشته است (بورنز و ماچین، ۲۰۱۰). نتایج بدست آمده از بررسی نسخه ۱۸ سوالی، حاکی از همبستگی نسبتاً بالای (از ۰/۷۰ تا ۰/۸۹) عامل های هر دو نسخه با هم بود. کلارک، مارشال، ریف و ویتون (۲۰۰۱) به منظور بررسی ساختار عاملی مقیاس ۱۸ سوالی ریف روی تعدادی از افراد بزرگسال، نشان دادند که الگوی شش عاملی بیشترین برازش را با داده ها دارد (خانجانی و همکاران، ۱۳۹۳). مقدار آلفای کرونباخ آزمون بهزیستی در این پژوهش ۰/۸۹ و روایی همگرا ۰/۴۷ به دست آمد. نمره گذاری: برای نمره گذاری این پرسشنامه ابتدا در هر عبارت به ترتیب زیر نمره دهید:

کاملاً مخالف: نمره ۱، تا حدی مخالف: نمره ۲، کمی مخالف: نمره ۳، کمی موافق: نمره ۴، تا حدی موافق: نمره ۵، کاملاً موافق: نمره ۶.

سئوالات ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. به این صورت که اگر فردی در این سئوالات گزینه کاملاً مخالف را انتخاب کرده باشد نمره ۶ و در صورتی که گزینه کاملاً موافق را انتخاب نماید نمره ۶ می گیرد. نمره بالا در این آزمون نشان دهنده بهزیستی روانشناختی بالا و نمره پایین نشان دهنده بهزیستی روانشناختی پایین است.

۳.۵ روش تجزیه و تحلیل داده ها

داده ها با استفاده از روش آماری معادلات ساختاری توسط نرم افزار Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

۶. یافته های پژوهش

۱.۶ ارزیابی مدل های اندازه گیری (مدل بیرونی)

برای ارزیابی مدل مورد مطالعه از نرم افزار اسمارت پی ال اس استفاده شده است. آزمون ناپارامتریک بوت استراپ با ۵۰۰ تکرار برای برآورد.

برای آزمون فرضیات از معناداری ضرایب مسیر استفاده شده است. یکی از معیارها سنجش رابطه بین سازه ها در مدل (بخش ساختاری) اعداد معناداری تی است در صورتیکه

مقدار این اعداد از ۱.۹۶ بیشتر شود نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تایید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ است. بایستی توجه کرد که اعداد t فقط صحت رابطه‌ها را نشان می‌دهند اما شدت رابطه بین سازه‌ها را نمی‌توان با آنها سنجید و برای این کار باید از معیار دیگری استفاده کرد که در ادامه تشریح می‌گردد، ضمناً برای به دست آوردن T آماری نیز از آزمون بوت‌استرایپا ۵۰۰ تکرار استفاده شده است.

ویژگی‌های شخصیتی بر سلامت روانی اثر دارد. فرض صفر / فرض مقابل و همچنین فرض آماری بصورت زیر قابل تعریف است.

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{ویژگی‌های شخصیتی مادران بر سلامت روانی اثر ندارد: } H_0 \\ \text{ویژگی‌های شخصیتی مادران بر سلامت روانی اثر دارد: } H_1 \end{array} \right. \left\{ \begin{array}{l} H_0: \beta = 0 \\ H_1: \beta \neq 0 \end{array} \right.$$

با توجه به جدول شش، ویژگی‌های شخصیتی مادران اثر مثبت (مستقیم) معادل ۰/۸۷ بر میزان سلامت روانی می‌باشد. آزمون T آماری نشان می‌دهد که این اثر معنادار است؛ بنابراین، از آنجا که T آماری بزرگ‌تر از مقدار بحرانی است و در ناحیه H_1 قرار دارد، با اطمینان ۹۹۹٪ می‌توان گفت که ویژگی‌های شخصیتی مادران بر میزان سلامت روانی اثر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود.

جدول ۱. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	β	α	$Z \alpha/2$	T	تایید/رد
ویژگی‌های شخصیتی ← سلامت روانی	۰/۸۷	۰/۰۰۱	۳/۳۲	۳۲/۹۹۸	تایید

"ویژگی‌های شخصیتی مادران بر خلاقیت دختران اثر دارد". فرض صفر / فرض مقابل و همچنین فرض آماری بصورت زیر قابل تعریف است.

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{ویژگی‌های شخصیتی مادران بر خلاقیت دختران اثر ندارد: } H_0 \\ \text{ویژگی‌های شخصیتی مادران بر خلاقیت دختران اثر دارد: } H_1 \end{array} \right. \left\{ \begin{array}{l} H_0: \beta = 0 \\ H_1: \beta \neq 0 \end{array} \right.$$

با توجه به جدول ۴-۱۷، ویژگی‌های شخصیتی مادران اثر مثبت (مستقیم) معادل ۰/۴۷۱ بر خلاقیت دختران دارد. آزمون T آماری نشان می‌دهد که این اثر معنادار است؛ بنابراین، از

آنجا که T آماری بزرگ تر از مقدار بحرانی است و در ناحیه H1 قرار دارد، با اطمینان ۹۹۹٪ می توان گفت که ویژگی های شخصیتی مادران بر خلاقیت دختران اثرات مثبت و معناداری دارد. به عبارتی فرض H0 رد و فرض H1 تأیید می شود.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	β	α	Z $\alpha/2$	T	تایید/رد
ویژگی های شخصیتی مادران ← خلاقیت دختران	۰/۴۷۱	۰/۰۰۱	۳/۳۲	۴/۳۴۹	تایید

سلامت روان بر خلاقیت دختران اثر دارد. فرض صفر / فرض مقابل و همچنین فرض آماری بصورت زیر قابل تعریف است.

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{H0: سلامت روان بر خلاقیت دختران اثر ندارد} \\ \text{H1: سلامت روان بر خلاقیت دختران اثر دارد} \end{array} \right. \quad \left\{ \begin{array}{l} \text{H0: } \beta = 0 \\ \text{H1: } \beta \neq 0 \end{array} \right.$$

با توجه به جدول ۳. سلامت روان اثر مثبت (مستقیم) معادل ۰/۴۸۵ بر میزان خلاقیت دختران دارد. آزمون T آماری نشان می دهد که این اثر معنادار است؛ بنابراین، از آنجا که T آماری بزرگ تر از مقدار بحرانی است و در ناحیه H1 قرار دارد، با اطمینان ۹۹۹٪ می توان گفت که سلامت روان بر خلاقیت دختران اثرات مثبت و معناداری دارد. به عبارتی فرض H0 رد و فرض H1 تأیید می شود.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیرها	β	α	Z $\alpha/2$	T	تایید/رد
سلامت روان ← خلاقیت دختران	۰/۴۸۵	۰/۰۰۱	۳/۳۲	۴/۴۴۳	تایید

۷. بحث

این پژوهش تحت عنوان: بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر تدوین شده است و نتایج نشان داد بین ویژگی های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

این نتایج با پژوهش‌های: میرفلاحی (۲۰۱۵)، اردوگان و سپیک (۲۰۱۴)، شاکل فورد بی سر و گاتز (۲۰۱۲)، کلاستون و همکاران (۲۰۱۱)، امیری و همکاران (۲۰۱۱)، استراد و همکاران (۲۰۱۰)، آلجا و همکاران (۲۰۰۷)، مایکل و همکاران (۲۰۰۷)، دانیلان و همکاران (۲۰۰۴)، گالیزوسکی (۲۰۰۱)، فینچام و همکاران (۲۰۰۰) تا بین و همکاران (۲۰۰۰)، بوچارد (۱۹۹۹)، فنوحی و ابوالقاسمی (۱۳۹۵)، عارفی و همکاران (۱۳۹۳)، شاکریان (۱۳۹۱)، رازقی و همکاران (۱۳۹۰)، رضویه و همکاران (۱۳۸۹) و قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹)، همسو می‌باشد.

میر فلاحی و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه ای با عنوان ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی، ارتباط منفی معناداری بین ویژگی شخصیتی روان رنجوری و رضایت زناشویی گزارش کرده اند. همچنین در این مطالعه بین ویژگی شخصیتی برونگرایی با سازگاری زناشویی ارتباط مثبت و معناداری وجود داشت. اردوگان و سپیک (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با سازگاری زناشویی انجام دادند. یافته‌های آنها نشان داد که بین ویژگی روان نژندی با سازگاری زناشویی رابطه منفی و بین ویژگی‌های برونگرایی، انعطاف پذیری و مسئولیت پذیری با سازگاری زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. شاکل فورد بی سر و گاتز (۲۰۱۲)، در یک پژوهش رابطه شخصیت، رضایت زناشویی و احتمال خیانت زناشویی را بررسی کردند. آنها دریافتند که بین سطوح پایین توافق (دلپذیر بودن) و سطوح پایین با وجدان بودن زوجین و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد، و بین سطوح بالای روان رنجور خویی زوجین و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. کلاستون و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه خود نشان دادند که بین صفت شخصیتی برونگرایی با رضایت زناشویی نسبت به دیگر عوامل شخصیتی ارتباط بیشتری وجود داشت. امیری و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که صفت روان رنجوری با رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری دارد، در حالی که چهار عامل دیگر (برونگرایی، وظیفه شناسی، گشودگی و توافق) با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری داشت. استراد و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود اثر معناداری را برای روان رنجوری و برونگرایی در رابطه زوجین نشان دادند. آلجا و همکاران (۲۰۰۷) اظهار میکنند که نتایج آنها حاکی از آن بود که ثبات هیجانی (نقطه مقابل روان رنجوری)، گشودگی و با وجدان بودن رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی داشته و روان رنجوری و علایم سایکوتیک رابطه منفی معناداری با رضایت زناشویی دارند. مایکل و همکاران (۲۰۰۷) نشان

دادند که شخصیت نقش اساسی در رضایت زناشویی داشته و از بین پنج عامل بزرگ شخصیت دو عامل (با وجدان بودن و برونگرایی) بیشترین سهم را در پیش بینی رضایت زناشویی دارند. دانیلان، کانگر و برینت (۲۰۰۴) در پژوهش خود بر روی ۴۰۰ زوج به این نتیجه رسیدند که معیار شخصیتی روان‌آزرده‌خویی با تعاملات منفی زناشویی دارای همبستگی مثبت است. در حالی که دو معیار شخصیتی توافق و گشودگی با تعاملات منفی زناشویی رابطه معکوس داشت. ضمن اینکه معیار گشودگی با رضایت‌مندی جنسی نیز رابطه مثبت داشت. گالیزوسکی (۲۰۰۱) دو گروه از همسران دارای رضایت زناشویی بالا و پایین را در ویژگی‌های شخصیتی مقایسه نمود و مشاهده کرد که گروه دارای رضایت پایین نمرات بالاتری در روان‌آزرده‌گی به دست آوردند و در توافق‌پذیری و با وجدان بودن نمراتی کمتر داشتند. او در کل نتیجه گرفت که رضایت زناشویی از روی ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی پذیر است. فینچام و همکاران (۲۰۰۰) اظهار کردند که ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی‌کننده سلامتی، رضایت زناشویی، طلاق و موفقیت شغلی بوده است. تاین و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رگه مقبولیت در عملکرد زناشویی افراد تاثیر مستقیم دارد. بوچارد (۱۹۹۹) در تحقیقی که بر روی ۴۴۶ زوجی که پرسش‌نامه پنج‌عاملی را پر کرده بودند انجام داد، نشان داد که روان‌آزرده‌خویی پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای رضایت زناشویی هم برای زنان و هم برای مردان است.

فتوحی و ابوالقاسمی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان رابطه ابعاد شخصیت و سازگاری زناشویی زوجین بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های عشق، نشان دادند که روان‌رنجوری بصورت منفی و برونگرایی، توافق، گشودگی و وظیفه‌شناسی بصورت مثبت سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. عارفی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان همسانی شخصیتی پنج‌عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی، بیان می‌کنند که رضایت زناشویی با عوامل وظیفه‌شناسی، برونگرایی، توافق، همبستگی مثبت و با روان‌رنجورخویی همبستگی منفی دارد. شاکریان (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان نقش ابعاد شخصیت و جنسیت در پیش‌بینی سازگاری زناشویی، به این نتیجه رسیده که ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی، دلپذیر بودن، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی و جنسیت می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. رزاقی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان رابطه پنج‌عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی، نشان داد که رضایت زناشویی با عوامل وظیفه‌شناسی و مقبولیت

همبستگی مثبت و با نوروگرایی همبستگی منفی دارد. رضویه و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که متغیر رضایت زناشویی با هریک از مولفه‌های ویژگی‌های شخصیتی دارای رابطه است. عبارتی تمامی ابعاد شخصیتی به جز روان نژندی با متغیر رضایت زناشویی رابطه مستقیم و مثبت دارند، اما رابطه بین روان نژندی و رضایت زناشویی یک رابطه منفی است. این نتایج نشان می‌دهد که مولفه‌های ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی رابطه دارند. قلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی با رضایت زناشویی، نشان دادند که رابطه معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی وجود دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که زوج‌هایی با ویژگی‌های روان رنجوری عواطف منفی دارند و به تکانشگری و آسیب‌پذیری تمایل بیشتری دارند. بنابراین این ویژگی، سطح سازگاری و رضایت زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همانگونه که در اکثر تحقیقات مشاهده شد، روان رنجور خوبی بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت زناشویی داشته است. از آنجایی که نمره بالا در روان رنجوری با بی‌ثباتی عاطفی و عواطف منفی مثل ترس، غم، دست‌پاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت همراه است و کسانی که در این حیطه نمرات بالایی دارند آمادگی آنها برای نشان دادن اضطراب در موقعیتهای تنیدگی‌زا بیشتر است و عموماً از روش‌های متمرکز بر هیجان استفاده می‌کنند و در مقابله با مشکلات ضعیف هستند. برعکس افرادی که در بعد روان رنجور خوبی نمره پایین به دست می‌آورند معمولاً از روش متمرکز بر مسئله استفاده می‌کنند و در نتیجه سلامت روانی بالایی دارند و از ثبات خلقی و احساس آرامش قابل توجهی برخوردارند.

برونگرایی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد. عامل برونگرایی با هیجانات مثبت از قبیل بشاش بودن، خوش‌بینی، عشق و صمیمیت ارتباط دارد. افرادی که در برونگرایی نمره بالایی می‌گیرند معمولاً احساسات و عواطف خود را به راحتی بروز می‌دهند و دارای قدرت بازداری کمی هستند. اجتماعی بودن و فعال بودن از خصوصیات این افراد است. تمام این موارد بر روابط بین زن و شوهر تاثیر مثبتی دارد. برونگرایی به صورت مثبت با سلامت هیجانی ارتباط دارد و کسانی که در برونگرایی نمره بالا کسب می‌کنند بهتر از آنهایی که نمره کمی در برونگرایی کسب می‌کنند قادر به کنار آمدن با استرس‌های روزمره هستند.

مقبولیت یا دلپذیر بودن موجب می‌شود تا افراد بهتر بتوانند احساس‌هایشان را طی تعامل‌های بین شخصی مهار کنند و برخورد آرام‌تری داشته باشند. افراد دارای نمره بالا در

رگه مقبولیت دارای ویژگیهایی چون اعتماد، رک گویی، دیگر دوستی، همراهی، تواضع، خوش قلب بودن، دلسوز بودن، دارای حس همکاری، کمک کننده، فداکار، درستکار، از خود گذشته و دل رحمی هستند.

مسئولیت پذیری با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد. مسئولیت پذیری با قابل اعتماد بودن، سخت کوشی، منظم و با دقت بودن همراه است. این افراد درگیریهایی را که بالاجبار در روابط بوجود می آید سازنده تر اداره می کنند، به اصول پایبند و برای اهدافشان تلاش می کنند، همچنین سلامت هیجانی بیشتری نشان می دهند.

در ویژگی انعطاف پذیری یا گشودگی نسبت به تجربه، ویژگیهایی مانند تخیل فعال، درک احساسهای درونی، خلاق و مبتکر بودن، آزاد اندیشی، تفکر واگرا و تمایل و خواست برای تغییر و داشتن انگیزه برای کسب و تجارت جدید را در بر می گیرد.

همسران وظیفه شناس یا با وجدان، کمتر ممکن است انتقاد از همسر را برانگیزانند که در نتیجه میزان و یا شدت تعاملهای منفی زناشویی را کاهش می دهد. وظیفه شناسی، کمتر ایجاد ناسازگاری می کند، چرا که این افراد عموماً مسئولیت پذیر، مورد اطمینان و سخت کوش هستند. در نهایت می توان گفت، به استثنای روان رنجوری، ویژگیهایی مانند برونگرایی، گشودگی، توافق و وظیفه شناسی که دارای خصوصیتی مانند سرزندگی، اجتماعی بودن، نوع دوستی، ثبات و پایداری ازدواج است که می تواند بصورت مستقیم و غیر مستقیم بر سلامت روان و خلاقیت دانش آموزان تاثیر گذار باشد.

۸. نتیجه گیری

بطور کلی نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که :

- روان آزردهی مادران بر سلامت روان دانش آموزان اثر منفی و معناداری دارد، اما سایر ویژگیهای شخصیتی مادر (برون گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) بر سلامت روان فرزندان اثر مثبت و معناداری دارد.

- سلامت روان فرزندان دختر بر خلاقیت آنان اثر مثبت و معناداری دارد.

- ویژگی شخصیتی روان آزردهی مادران اثر منفی و معناداری بر خلاقیت فرزندان دختر دارد. و سایر ویژگی های شخصیتی مادر (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن، با وجدان بودن) اثر مثبت و معناداری بر خلاقیت فرزندان دختر دارد.

نتیجه کلی که می‌توان از این یافته‌ها به دست آورد این است که، مدل تحقیق که بر اساس یافته‌های پژوهشی ارائه شده بود، مورد تایید قرار گرفت. نشان داده شد که متغیر پیش‌بین (ویژگیهای شخصیتی) چگونه می‌تواند در رشد و شکوفایی سلامت روان و خلاقیت موثر باشد. در حقیقت بعد از عوامل وراثتی و ژنتیکی، بستر اصلی و سنگ زیربنای خلاقیت را خانواده و روابط بین اعضای آن (روابط والدین با هم و با فرزندان) شکل می‌دهد، که این روابط نیز می‌تواند تحت تاثیر ویژگیهای شخصیتی والدین قرار گیرد.

کتابنامه

- Abraham, A.; Windmamm, S.; Daum, I.; Gunturkun, O. (2005). Conceptual expansion and creative imagery as a function of psychoticism. *Consciousness and Cognition*
- Arfaie, A., Mohammadi, A., & Sohrabi, R. (2013). Relation Between Marital Conflict and child Affective-behavioral psychopathological. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 1776-1778.
- Barlow, D.H., Durand, V.M., Steward, S.H. (2009). *Abnormal psychology: An integrative approach (Second Canadian Edition)*. Toronto: Nelson. p.16.
- Campbell, R. (2009). *Psychiatric dictionary*, 9th ed:790.
- Carson, S. H.; Peterson, J. B., Higgins, D. M. (2005). "Reliability, Validity, and Factor Structure of the Creative Achievement Questionnaire". *Creativity Research Journal* 17 (1): 37-50.
- Davis M. (2008). Understanding the relationship between mood and creativity: A meta-analysis. *Organ Behav Hum Decis Process*.108:25-44.
- El-Sheikh, M., Cummings, E. M., Kouros, C. D., Elmore-Statone, L., & Buchhalt, J. (2008). Marital Psychological and physical aggression and children's mental and physical health: Direct, mediated and moderated effects. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70, 138-148.
- Emery, R. E. (1982). Interparental conflict and the children of discord and divorce. *Psychological Bulletin*, 92, 310-330.
- Gaspar K. (2003). When necessity is the mother of invention: Mood and problem solving. *J Exp Soc Psychol*.39:248-62.
- Gowan J.C. (1972). *The development of the creative individual*. San Diego, CA: Knapp Publication.
- Grant, K. e., Compas, B. E., Stuhlmacher, A. F., Thurm, A. E., McMahon, S. D., & Halpert, J. A. (2003). Stressors and child and adolescent Psychopathology: Moving from markers to mechanisms of risk. *Psychological Bulletin*, 129, 447-466.
- Johns Hopkins University. (2007). *Origins of Mental Health*. Retrieved June 10, 2007, from JHSPH.edu
- Kampylis, P.; Berki, E.; Saariluoma, P. (2010). In-service and prospective teachers' conceptions of creativity. *Thinking skills and creativity*, 4(1), 15-29.

- Koh ,K. (2006). Reviewing the link between creativity and madness a postmodern perspective. Educational research and reviews vol 1(7) October.
- Mark A. D. (2009). "Understanding the relationship between mood and creativity: A meta-analysis". *Organizational Behavior and Human Decision Processes* 100 (1): 25–38.
- Maslow, A. H. (1954) Emotional blocks to creativity. In F. Harding and S. Parens (Eds). *A source book for creativity thinking* (pp.93-103). USA: Charles Scribners Sons.
- Mayer, S. E., Duncan, G., kalil, A. (2004). Like mother, like daughter? SES and the intergenerational correlation of traits, behaviors and attitudes. University of Chicago.
- McCrae, R.R. (1991) The five factor model and its assessment in clinical settings. *Journal of Personality Assessment*, 57 (3), 399-414.
- Meusbürger, P. (2009). "Milieus of Creativity: The Role of Places, Environments and Spatial Contexts". In Meusbürger, P., Funke, J. and Wunder, E.. *Milieus of Creativity: An Interdisciplinary Approach to Spatiality of Creativity*.
- Moeran, J. D., & Gardner, K. G. (2006). Family adaptability, cohesion and creativity. *Creativity Research Journal*, 23, 281-288.
- Qadir, F., Desilva, D., Prince, M., & Khan, M. (2011). Marital satisfaction in Pakistan: a pilot investigation. *Sexual and Relation Therapy*, 20(2), 195-209.
- Rettew, D., Stanger, C., McKee, L., Doyle, A., Hudziak, J. (2010). Interactions between child and parent temperament and child Behavior Problems. *Comprehensive Psychiatry*, 47(5), 412–420.
- Richards, K.C.; Campania, C. Muse-Burke J.L (2010). "Self-care and Well-being in Mental Health Professionals: The Mediating Effects of Self-awareness and Mindfulness". *Journal of Mental Health Counseling* 32 (3): 247
- Sanne MA, Lamers GJ, Westerhof VK, Ernst T, Bohlmeijer.(2012). Differential relationships in the association of the Big Five personality traits with positive mental health and psychopathology. *Journal of Research in Personality*. 46(5), 517-24.
- Saville, Gregory.(2006). Emotional intelligence in policing. *Police chief magazine* vol
- Torrance, E.P.(1988). An interview with E. Paul Torrance: About creativity. *Journal Educational Psychology Review*, 10, 441-452.
- Vaillant GE (2012). Positive mental health: is there a cross-cultural definition? *World Psychiatry*, 11(2), 93-9.
- Van Aken, C., Junger, M. Verhoeven, M. Van Aken, M. A. G., M. Dekovic.M., and A. Denissen. J. J.(2007). Parental Personality, Parenting and Toddlers' Externalising Behaviours. *European Journal of Personality*. 10.1002/per.643.
- Wood, R. G., Goesling, B., & Avellar, S. (2007). *The Effects of Marriage on Health: A Synthesis of Recent Research Evidence*. Washington, DC: U. S. Department of Health and Human Services, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation, Office of Human Services Policy.
- Wright ,TA, Walton ,AP.(2003). Affect, psychological wellbeing and creativity: Results of a field study. *J Bus Manag*. 62:55-73.

- Wright , C. & Wright , S. (1986) . A conceptual framework for examining the family's influences on creativity. *Family Perspective* , 20 , 127-136.
- Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R.D., & Gangamma, R. (2014). Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. *J Sex Marital Ther*, 40(4), 275-93 .
- Zeng, L.; Proctor, R. W.; Salvendy, G. (2011). "Can Traditional Divergent Thinking Tests Be Trusted in Measuring and Predicting Real-World Creativity?" *Creativity Research Journal* 23: 24- 33.
- Zigler M, Shamoo N.(2002). Mental health and creativity in high school in England. *J Psycholo* .2: 112-132.